



University of Tehran press

## Research in Contemporary World Literature

http://jor.ut.ac.ir, Email: [pajuhesh@ut.ac.ir](mailto:pajuhesh@ut.ac.ir)

p-ISSN : 2588-4131 e-ISSN: 2588 -7092

### An Analysis of Textual Coherence in Hafez’s Ghazal and Its Russian Translation Based on Halliday and Hasan’s Theory

Mahnush Eskandari <sup>1</sup> 0000-0002-4259-1713 Ali Saeidi <sup>2</sup> 0000-0002-1735-5292

1. Department of Russian Language, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. E-mail: [m\\_eskandary@atu.ac.ir](mailto:m_eskandary@atu.ac.ir)

2. Department of Russian Language, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: [ali.saeidi64@ut.ac.ir](mailto:ali.saeidi64@ut.ac.ir)

#### Article Info

**Article type:**

Research Article

**Article history:**

Received: 07 September 2022

Received in revised form: 05 April 2023

Accepted: 19 April 2023

Published online: Summer 2024

**Keywords:**

Ghazal, Hafez, Konstantin

Lipskarov, M. A. K. Halliday,

Ruqaiya Hasan, theory of

textual coherence, translation.

#### ABSTRACT

A number of linguistic theories have been used in recent decades to analyze the text and the coherence of literary works. M. A. K. Halliday and Ruqaiya Hasan’s theory of cohesion (1976) is a notable example. Unlike the traditional linguists who did not analyze units beyond the sentence, Halliday and Hasan introduced the necessary criteria and elements for examination and analysis of “text”. According to their theory, one of the main characteristics of the text is coherence. The degree of coherence is measured by examining the use of cohesion elements in three categories: lexical, grammatical and conjunctive. Carrying out a quantitative and qualitative comparison, this study investigates the elements of textual cohesion and their usage in Hafez’s Ghazal and its Russian translation by Konstantin Lipskerov. It will be shown that the percentage of lexical and grammatical coherence in Hafez’s Ghazal is higher than that of its translation, but the amount of syntactic coherence in both is equal. Finally, in light of the obtained results, it can be concluded that in terms of coherence, Lipskerov has translated Hafez’s Ghazal into Russian properly.

**Cite this article:** Eskandari, Mahnush & Saeidi, Ali. "The application of elements of text coherence based on Halliday and Hassan's theory in a sonnet by Hafez and its Russian translation" *Research in Contemporary World Literature*, 2024, 29 (1), 241-261. DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2023.337926.2319>

© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2023.337926.2319>





## کاربست عناصر انسجام متن بر اساس نظریه‌ی هالیدی و حسن در غزلی از حافظ و ترجمه روسی آن

مهنوش اسکندری<sup>۱</sup> ✉ علی سعیدی<sup>۲</sup>

۱. گروه زبان روسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: [m\\_ekskandary@atu.ac.ir](mailto:m_ekskandary@atu.ac.ir)

۲. گروه زبان روسی، دانشکده زبانها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [ali.saeidi64@ut.ac.ir](mailto:ali.saeidi64@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۳</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b></p> <p>نظریه‌ی انسجام متنی هالیدی و حسن، غزل حافظ، ترجمه، لپسکروف، انسجام واژگانی، انسجام دستوری، انسجام پیوندی</p>	<p>برخی از نظریه‌های زبان‌شناسی در دهه‌های اخیر برای تحلیل متن و به منظور نشان دادن انسجام آثار ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرند که نظریه‌ی انسجام متنی هالیدی و حسن (۱۹۷۶) نیز یکی از آنهاست. بر اساس این نظریه، یکی از ویژگی‌های اصلی متن، «انسجام» است. میزان این انسجام با بررسی کاربرد عناصر انسجامی در سه رده واژگانی، دستوری و پیوندی سنجیده می‌شود. در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و تحلیل آماری داده‌ها صورت پذیرفته است، به بررسی و استخراج عناصر انسجام متن درغزل «ای صبا نکه‌تی از کوی فلانی به من آر» حافظ و ترجمه آن به قلم کسستانتین لپسکروف، به منظور مقایسه‌ی علمی میزان انسجام غزل اصلی و متن ترجمه‌ی آن پرداختیم. با این تحلیل علمی، مشخص گردید که کاربرد عناصر انسجامی دستوری در غزل حافظ بیشتر از کاربرد این عناصر در ترجمه این غزل است و به همین دلیل اصل غزل منسجم‌تر و پیوسته‌تر از ترجمه‌ی آن به نظر می‌رسد. میزان کاربرد عوامل انسجام پیوندی در غزل مورد بررسی و ترجمه‌ی آن برابر است. می‌توان گفت گرچه فراوانی عناصر انسجامی در ترجمه‌ی غزل حافظ کمتر از فراوانی آنها در غزل مورد بررسی است ولیکن از مقایسه‌ی میزان کاربرد عناصر انسجامی در غزل مورد بررسی و ترجمه‌ی آن می‌توان نتیجه گرفت که مترجم از منظر انسجام، ترجمه‌ی این غزل حافظ به زبان روسی را به شکل مناسبی انجام داده است.</p>

استناد: اسکندری، مهنوش و سعیدی، علی. "کاربست عناصر انسجام متن بر اساس نظریه هالیدی و حسن در غزلی از حافظ و ترجمه روسی آن". پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱۴۰۳، ۲۹ (۱)، ۲۶۱-۲۴۱.



DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2023.337926.2319>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱- مقدمه

زبان‌شناسی نوین که از آغاز قرن بیستم با آرای فردینان دوسوسور<sup>۱</sup> به دنیا معرفی و شاخه‌های آن به سرعت رشد کرد، تاکنون به‌عنوان شیوه‌ای علمی برای بررسی و تحلیل آثار ادبی به‌صورت گسترده مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از شاخه‌های مورد توجه در زبان‌شناسی نوین، ساختارگرایی است که شالوده و بنیان اصلی آن بر تلاش‌های سوسور در تبیین مفاهیم این شاخه از زبان‌شناسی استوار می‌باشد. برجسته‌ترین نظریه‌پرداز ساختارگرا، یعنی مایکل هلیدی به همراه رقیه حسن عوامل انسجام<sup>۲</sup> متن در زبان انگلیسی را برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ مطرح کردند. این دو زبان‌شناس برخلاف زبان‌شناسان سنتی که واحدهای فراتر از جمله را تجزیه و تحلیل نمی‌کردند، به معرفی معیارها و عناصر لازم برای بررسی و تحلیل «متن» پرداختند.

«انسجام به روابط درون‌متنی حاکم بر جملات یک متن گفته می‌شود» (ملا ابراهیمی و قهرمانی ۳۰) که در کنار «پیوستگی» از ویژگی‌های دیگر متن به شمار می‌آید و این دو متاثر از آرای مایکل هالیدی<sup>۳</sup> و رقیه حسن<sup>۴</sup> هستند. «هالیدی روابط میان بندها را به دو گونه‌ی درونی و بیرونی تقسیم می‌کند. روابط بیرونی بند را زیر عنوان انسجام (cohesion) بررسی می‌کند» (حری ۱۰۵). منظور از انسجام متنی «انسجام درونی متن یا روابط بین جمله‌هاست و یا به عبارت دیگر، وابستگی تعبیر و تفسیر عناصری دیگر در درون خود متن» (فانی اسکی و صفایی ۱۷۲). با بررسی عناصر یا عوامل انسجام متن می‌توانیم متن منجسم را از غیرمنسجم تمیز دهیم و از این عناصر برای بررسی ترجمه‌های موجود از متن اصلی و مقایسه میزان انسجام در متن اصلی و ترجمه سودجوییم و کیفیت متن ترجمه را نسبت به متن اصلی مورد ارزیابی قرار دهیم.

انسجام در زمینه بررسی رابطه‌ی ساختاری میان عناصر یک متن، یعنی کلمات و جملات آن متن و همچنین یافتن ارتباط بین مفاهیم موجود در آن کلمات و جملات و یا عناصر آن متن به کار می‌رود. اشعار حافظ از شاهکارهای ادب پارسی در قرن هشتم هجری به شمار می‌آید که همواره از نظر فرم و محتوا مورد توجه ادیبان، پژوهشگران و حتی مترجمان بوده است. در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و تحلیل آماری داده‌ها صورت پذیرفته است، میزان استفاده از عناصر انسجام متنی و نیز چگونگی استفاده از این عناصر در غزل «ای صبا نکه‌تی از کوی فلانی به من آر» حافظ مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس به بررسی کاربرست عناصر انسجام متن در ترجمه این شعر به قلم کنستانتین

---

<sup>1</sup> Ferdinand de Saussure

<sup>2</sup> Cohesion

<sup>3</sup> Michael Halliday

<sup>4</sup> Ruqaiya Hasan

لیپسکروف<sup>۱</sup> و مقایسه‌ی کمی و کیفی کاربست عناصر انسجامی در متن اصلی و متن ترجمه خواهیم پرداخت.

نگارندگان مقاله‌ی حاضر در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر هستند:

در این شعر از کدام عناصر انسجامی استفاده شده و بسامد و درصد کاربست هر یک از این عناصر چقدر است؟ کدام عناصر انسجامی (واژگانی، دستوری و یا پیوندی) در این شعر از بسامد بیشتری برخوردارند؟ مترجم، در ترجمه‌ی این شعر از چه عناصر انسجامی بهره گرفته است؟ آیا ترجمه‌ی این شعر از نظر کاربست عناصر انسجام متن در سطح متن اصلی و قابل مقایسه با غزل حافظ هست یا خیر؟

این روش چندی است در نقد و بررسی متون و اشعار فارسی به کار گرفته می‌شود و با به‌کارگیری این روش، راه تحلیل علمی‌تر متون هموار شده است. در این پژوهش به مدد این تحلیل که بر پایه‌ی لفظ و معناست، مشخص می‌شود که شعر «ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر» حافظ – به‌عنوان نماینده و نمونه‌ی ای از کل اشعار حافظ – از چه میزان انسجام واژگانی، دستوری و پیوندی برخوردار است. «اگر چه دیوان حافظ به علت دارا بودن ویژگی‌های خاص در مقایسه با شاهنامه‌ی فردوسی و رباعیات خیام ترجمه ناپذیر جلوه می‌کند. ولی مترجمان علاقه‌مند روس در این زمینه تلاش‌هایی داشته‌اند» (محمدی بدر ۱۲۱). بنابراین ما قصد داریم با بررسی ویژگی‌های انسجامی این غزل و ویژگی‌های انسجامی ترجمه‌ی آن و مقایسه درصد کاربست آنها در دو متن مورد بررسی، مشخص کنیم که آیا ترجمه این غزل نیز هم‌سنگ و هم‌تراز متن اصلی است و تاثیری که بر خواننده روس می‌گذارد قابل مقایسه با خواندن اصل اثر هست یا خیر. از نظر نگارندگان مقاله‌ی حاضر، این روش تحلیل علمی متن، یعنی تحلیل متون بر اساس نظریه انسجام متنی‌هالیدی و حسن می‌تواند به روشی برای مقایسه متون ادبی فارسی و ترجمه‌ی آنها جهت مقایسه هم‌ترازی متن ترجمه و متن اصلی بدل شود.

تاکنون متون و اشعار مختلفی بر اساس نظریه‌ی انسجام متنی‌هالیدی و حسن (۱۹۷۶) در پایان نامه‌ها و مقالات متعددی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که مقالات ذیل از آن جمله‌اند:

«تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» پورنامداریان و ایشانی (۱۳۸۹) که به بررسی انسجام در غزل حافظ پرداخته‌اند، «انسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل دهلوی، بررسی و مقایسه ده غزل سعدی و ده غزل بیدل» یاحقی و فلاحی (۱۳۸۹) به بررسی و مقایسه‌ی عناصر انسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل دهلوی پرداخته‌اند و به این نتیجه دست

<sup>1</sup> Konstantin Lipskerovi

یافته‌اند که میزان انسجام غزلیات دو شاعر با یکدیگر متفاوت است. «تحلیل انسجام متنی غزلی از حافظ براساس ساخت مبتدایی» آنگونه جنقانی (۱۳۹۵) که با هدف دستیابی به روشی در پژوهش انسجام غیر ساختاری، غزلی از حافظ را مورد بررسی قرار می‌دهد، «تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن» ایشانی (۱۳۹۳) که به بررسی و مقایسه عناصر انسجام متن در دو غزل از حافظ و سعدی می‌پردازد، «بررسی پیکرمندی در غزل‌های سعدی با تکیه بر نظریه‌های هالیدی و حسن» فانی اسکی و صفایی (۱۳۹۹) که عناصر انسجام متنی را در غزلیات سعدی مورد کنکاش قرار داده‌اند.

در آکادمی شرق شناسی روسیه پژوهش‌های متعددی درباره ترجمه‌های روسی اشعار حافظ به رشته‌ی تحریر درآمده است ولیکن تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی و مقایسه عناصر انسجام متن در اشعار حافظ و ترجمه روسی آنها صورت نگرفته است؛ بنابراین در این پژوهش به بررسی عناصر انسجام متنی واژگانی، دستوری و پیوندی در غزل حافظ و ترجمه روسی آن به قلم کنستانتین لیپسکروف و مقایسه این عناصر در متن اصلی و متن ترجمه می‌پردازیم.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- نظریه‌ی انسجام متنی هالیدی و حسن

مایکل هالیدی و رقیه حسن زبان‌شناسانی هستند که مطالعات فراوانی در خصوص روابط ساختاری و مفهومی میان عناصر متن انجام دادند و ضمن نام‌گذاری روابط بین جمله‌ای به‌عنوان «انسجام متنی»، آن را اینچنین تبیین کردند: «انسجام، به کلیه‌ی رابطه‌هایی اطلاق می‌شود که عناصری از یک جمله را به عناصر جملات دیگر مرتبط می‌کند» (لطفی پور ساعدی ۱۱۰). بر این اساس میزان انسجام در متون مختلف، متفاوت است «ولی یک گفتار، زمانی متن نامیده می‌شود که هم انسجام صوری و هم پیوستگی معنایی داشته باشد. هالیدی و حسن عقیده دارند که انسجام ناشی از عناصری است که جزء نظام زبان است» (۳۰). عناصر آفریننده انسجام متنی از نظر هالیدی و حسن به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱) عناصر انسجام واژگانی؛ ۲) عناصر انسجام دستوری؛ ۳) عناصر انسجام پیوندی.

### ۲-۲- روش تحلیل عناصر انسجام در غزل حافظ

نگارندگان پژوهش حاضر به تبع ایشانی در مقاله‌ی «تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن» که روش تحلیل خود را با راهنمایی و نظارت مستقیم پروفیسور رقیه حسن، در طول فرصت مطالعاتی خود در استرالیا آموخته‌اند، از همان روش تحلیل انسجام بهره برده‌اند که دارای مراحل زیر است:

الف) «تقسیم کردن متن به چند بند؛

ب) نوشتن واژه‌های موجود در هر بند بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و ... به صورت جداگانه؛

ج) یافتن عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن از میان واژه‌های نوشته شده (کل نمونه‌ها)؛

د) قرار دادن این عوامل در زنجیره‌هایی با عنوان‌های یکسانی و شباهت، و محاسبه نمونه‌های شرکت کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط)؛

ه) محاسبه‌ی درجه انسجام متن «(ایشانی ۲۰)».

### ۲-۳- بررسی عناصر انسجام متن در غزل حافظ

غزل زیر از حافظ برای بررسی عناصر انسجام متنی انتخاب شده است:

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر	زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر
قلب بی حاصل ما را بزن اکسیر مراد	یعنی از خاک در دوست نشانی به من آر
در کمینگاه نظر با دل خویشم جنگ است	ز ابرو و غمزه او تیر و کمانی به من آر
در غریبی و فراق و غم دل پیر شدم	ساغر می ز کف تازه جوانی به من آر
منکران را هم از این می دو سه ساغر بچشان	وگر ایشان نستانند روانی به من آر
ساقیا عشرت امروز به فردا مفکن	یا ز دیوان قضا خط امانی به من آر
دلیم از دست بشد دوش چو حافظ می گفت	کای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر (قزوینی

و غنی ۱۱۶).

در بررسی عناصر انسجام متنی در این غزل از حافظ و ترجمه آن، مراحل الف و ب را در هم ادغام کرده‌ایم:

۱. ای صبا - نکهتی - کوی فلانی - من - آر (بیاور) ۰۲. (من) - زار - بیمار - غم - ام (هستم)
۳. (تو) - راحت جانی - من - آر (بیاور)
۴. قلب بی حاصل ما - بزن - (تو) - اکسیر مراد ۰۵. (تو) - خاک در دوست - نشانی - من - آر (بیاور)
۶. (من) - کمینگاه نظر - دل خویش - جنگ - دارم ۰۷. (تو) - ابرو - غمزه - او - تیر - کمان - من - آر (بیاور)
۸. (من) - غریبی - فراق - غم دل - پیر - شدم ۰۹. (تو) - ساغر می - کف تازه جوانی - من - آر (بیاور)

۱۰. منکران - این می - دو سه ساغر - (تو) - بچشان ۱۱. اگر ایشان - (آن) نستانند ۱۲. (تو) - روانی - من - آر (بیاور)
۱۳. ساقی - عشرت امروز - فردا - مفکن ۱۴. (تو) - دیوان قضا - خط امان - من - آر (بیاور)
۱۵. (من) - دلم - دست - بشد ۱۶. حافظ - می گفت ۱۷. صبا - نکهتی - کوی فلانی - من - آر (بیاور)

#### الف. عناصر انسجام واژگانی

انسجام واژگانی «نوعی از انسجام مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایشان با یکدیگر دارند» (مسبوق و دلشاد ۱۵).

#### تکرار<sup>۱</sup>

این عنصر انسجام واژگانی که عباسی و دیگران در مقاله «انسجام واژگانی در متن سورئالیستی بوف کور بر پایه نظریه‌ی هالیدی و حسن» از آن با عنوان «بازآیی» سخن به میان آورده‌اند، عبارتست از:

#### تکرار در ساختار موسیقایی اشعار:

##### الف) تکرار مصوت

در این غزل تکرار مصوت بلند «آ» (۴۲ بار) به‌عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد توازن آوایی در محور طولی و عرضی شناخته می‌شود. علاوه بر این تعداد زیاد هجای بلند در این غزل باعث شده است تا اندوه شاعر بیشتر مورد توجه قرار گیرد. به گفته مختاری اردکانی «وزن‌هایی که در آنها شمار هجاهای بلند به نسبت بیشتر است، سنگین‌تر و آرام‌تر و با حال اندیشه، دریغ و اندوه مناسب‌تر است» (مختاری اردکانی ۱۱۷).

مصوت «ی» نیز ۲۹ بار در این غزل تکرار شده است که در انسجام آوایی غزل مورد نظر نقش بسزایی ایفا کرده است.

##### ب) تکرار صامت

صامت «ر» در این غزل ۳۲ بار تکرار شده است و این تکرار در انسجام آوایی غزل مورد بررسی نقش مهمی دارد.

##### ج) قافیه

کلمات قافیه در این غزل عبارتند از: فلان، جان، نشان، کمان، جوان، روان و امان که به مصوت بلند «آ» و حرف روی «ن» ختم می‌شوند. مصوت بلند «آ» قبل از حرف روی و تکرار مصوت بلند

<sup>1</sup> Reiteration

«ای» پس از حرف روی در تمام قافیه‌ها علاوه بر ایجاد انسجام آوایی در انتقال حس اندوه شاعر نیز تاثیر بسزایی دارد.

#### د) ردیف

ردیف در این غزل «به من آر» است و در این غزل ۸ بار تکرار شده است. با توجه به اینکه «وحدت مضمونی در غزل‌های مردف بالاست و در بسیاری از غزل‌های دارای ردیف، ردیف از مهم‌ترین عوامل پیوند معنایی و واژگانی است» (فانی اسکی و صفایی ۱۸۲)، این تکرار نیز در زمره عناصر واژگانی انسجام غزل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### تکرار عین واژه

در این غزل واژگانی مشاهده می‌شوند که تکرار آنها در ایجاد انسجام واژگانی نقش بسزایی دارد. این واژگان عبارتند از:

«من. مَ» (بجز کلمه «من» در ردیف غزل) در بیت‌های ۱، ۳، ۴ و ۷؛

واژه‌ی «غم» در بیت ۱ و ۴؛ واژه‌ی «دل» در بیت ۳، ۴ و ۷؛ واژه‌ی «ساغر» در بیت ۴ و ۵.

#### ردالمطلع (تکرار کامل در سطح جمله)

ردالمطلع نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای تکرار در غزل باشد. «گاهی مصراع اول یا دوم مطلع را در مقطع نیز می‌آورند. این عمل را در اصطلاح بدیع ردالمطلع گویند» (همایی ۷۲). در این غزل نیز مصراع اول عینا در انتهای شعر تکرار شده است.

مطلع غزل: ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر زار و بیمار غم راحت جانی به من آر  
مقطع غزل: دلم از دست بشد دوش که حافظ می‌گفت ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

#### باهم‌آیی

«در حوزه زبان‌شناسی باهم‌آیی<sup>۱</sup> عبارت است از ارتباط بین کلماتی که به یک حوزه‌ی معنایی تعلق دارند. وجود این‌گونه ارتباط معنایی بین کلماتی که با هم در یک متن واقع می‌شوند، باعث به‌وجود آمدن انسجام متن می‌گردد» (عباسی و همکاران ۲۹۳). «در بدیع به این صنعت در جمله یا در ابیات شعر، مراعات نظیر یا تناسب گفته می‌شود» (امیری خراسانی و علی‌نژاد ۲۰). در این غزل موارد زیر از باهم‌آیی به چشم می‌خورد:

کلمات «ساغر، می و ساقی» در محور عمودی شعر به حوزه‌ی معنایی «باده نوشی» تعلق دارند؛ کلمات «امروز، فردا و دوش» به حوزه معنایی «زمان» اشاره دارند؛ کلمات «کمینگاه، جنگ، تیر و کمان» در بیت دوم که همگی کلمات مربوط به حوزه‌ی «جنگ» هستند؛ کلمات «زار، بیمار، غریبی،

<sup>۱</sup> Collocation



فراق، غم» اشاره به حوزه‌ی معنایی «اندوه و ناخوشی» دارند؛ کلمات «راحت، مراد، عشرت و امان» به حوزه‌ی معنایی آسایش و نیکبختی تعلق دارند.

#### هم‌معنایی<sup>۱</sup>

«در هم‌معنایی چند واژگانی، معنای اندیشگانی واحدی دارند» (مهاجر و نبوی ۶۸). هم‌معنایی در این غزل به این صورت دیده می‌شود:

هم‌معنایی واژگان «دل و قلب» در مصرع اول بین دوم، مصرع اول بیت سوم، مصرع اول بیت چهارم و مصرع اول بیت هفتم؛ هم‌معنایی واژگان «می و ساغر» در مصرع اول بیت پنجم که هر دو واژه در این مصرع در کنار یکدیگر آمده‌اند و در مصرع دوم بیت چهارم؛ هم‌معنایی واژگان «کوی و در» در مصرع اول بیت اول و مصرع دوم بیت دوم و کلمات «زار و بیمار» در مصرع دوم مطلع غزل؛ همچنین هم‌معنایی «غریبی و فراق» در بیت چهارم؛ و کلمات «کف» در بیت چهارم و «دست» در بیت آخر.

#### شمول معنایی<sup>۲</sup> (رابطه جزء و کل)

شمول معنایی «یعنی مفهوم یک واژه، مفاهیم چند واژه دیگر را شامل می‌شود. واژه‌هایی را فرا می‌گیرد که از نظر مفهوم و معنا، واژه یا واژه‌های دیگر را تحت‌الشعاع حوزه معنایی خود قرار می‌دهند» (ملابراهیمی و رضایی ۱۸).

حافظ در این غزل از کلماتی بهره برده است که هر کدام دلالت بر جزئی از بعد روحانی وجود انسان دارند و عبارتند از واژه‌های «جان، روان، دل» و کلماتی که جزئی از جوارح انسان هستند مانند «قلب، دست، ابرو، نظر و کف»؛ کلمات «نکبت (بویایی)، نظر (بینایی)، بچشان (چشایی)» اجزاء حواس انسان هستند.

#### تضاد معنایی<sup>۳</sup>

«تضاد نوعی تقابل معنایی است که میان مفهوم چند واژه در یک حوزه معنایی پدید می‌آید و در آن، نفی یکی از آنها به معنای اثبات عضو دیگر این حوزه است» (خامه‌گر ۹). تضاد معنایی در غزل مورد بررسی به شکل زیر دیده می‌شود:

تضاد معنایی بین واژه «امروز» در مصرع اول بیت ششم و «فردا» در همان مصرع؛ تضاد معنایی بین واژه «غم» در مصرع اول بیت چهارم و واژه «عشرت» در مصرع اول بیت ششم؛ تضاد معنایی

<sup>1</sup> Synonymy

<sup>2</sup> Hyponymy

<sup>3</sup> Antonymy

بین واژگان «پیر» و «جوان» به ترتیب در مصرع اول و دوم بیت چهارم؛ و بین واژه «جنگ» در مصرع اول بیت سوم و واژه «امان» در مصرع دوم بیت ششم.

### ب. عناصر انسجام دستوری

#### ارجاع

به رابطه‌ای که میان یکی از عناصر متن با عنصر دیگر متن برقرار است، ارجاع<sup>۱</sup> گویند. مراد از ارجاع، بنا به گفته لطفی‌پور ساعدی «کاربرد انواع مختلف ضمیر در متن است که با ایجاد ارتباط بین جمله‌ها باعث انسجام بین آنها می‌گردد و درک معنای آنها بدون رجوع به عناصر دیگر امکان‌پذیر نیست» (لطفی‌پور ساعدی ۱۱۱). در غزل مورد بررسی تعدادی ارجاع وجود دارد که موجب انسجام دستوری شده‌اند:

#### ارجاع درون‌متنی<sup>۲</sup>

ارجاع پس‌رو: در این نوع ارجاع درون‌متنی، مرجع ضمیر پیش از عنصر یا کلمه ارجاع‌دهنده می‌آید. در تمامی ابیات غزل مورد بررسی بجز بیت ششم، یعنی در محور عمودی غزل، شاهد ارجاع درون‌متنی پس‌رو هستیم زیرا شاعر در مصرع اول «صبا» را مخاطب قرار می‌دهد و در مصرع دوم تمامی ابیات بعلاوه مصرع اول بیت دوم و مصرع اول بیت پنجم، مرجع ضمیر «(تو) به من آر» در ابتدای غزل قرار دارد. البته مرجع ضمیر در مصرع آخر مقطع غزل به دلیل استفاده شاعر از آرایه ردالمطلع در ابتدای همان مصرع انتهایی قرار دارد. در بیت ششم نیز شاهد همین ارجاع هستیم با این تفاوت که مرجع ضمیر، «ساقی» است. این نوع از ارجاع در بیت پنجم نیز به چشم می‌خورد که مرجع ضمیر «ایشان» در مصرع دوم این بیت، «منکران» در مصرع اول است. مرجع ضمیر «او» در مصرع دوم بیت سوم، کلمه «دوست» در بیت دوم است.

ارجاع پیش‌رو: در این نوع ارجاع درون‌متنی، مرجع ضمیر پس از عنصر یا کلمه ارجاع‌دهنده می‌آید. این نوع ارجاع در مصرع اول بیت پنجم این غزل مشاهده می‌شود که مرجع ضمیر «این»، یعنی «ساغر» بلافاصله پس از ضمیر مورد نظر قرار گرفته است. مرجع ضمیر «من» در مصرع اول و ضمیر «ما» در مصرع سوم، کلمه «حافظ» در بیت آخر است.

#### ارجاع برون‌متنی<sup>۳</sup>

مرجع ضمیر مبهم «فالانی» در مصرع اول مطلع و مصرع دوم مقطع غزل مورد بررسی در بیرون از شعر قرار دارد و بر ما پوشیده است که منظور حافظ از این کلمه، چه کسی است.

<sup>1</sup> Reference

<sup>2</sup> Endophoric Reference

<sup>3</sup> Exophoric Reference

### حذف

به گفته شفیی کدکنی «منظور از حذف<sup>۱</sup>، حذف یک یا چند عنصر جمله در قیاس با عناصر قبلی در متن است» (شفیی کدکنی ۳۲). دو نوع حذف در متن قابل بررسی است که عبارتند از: حذف به قرینه‌ی لفظی که در آن به دلیل وجود واژه یا عبارتی در متن، نویسنده از تکرار عین آن واژه یا عبارت خودداری می‌کند، و حذف به قرینه‌ی معنوی که در این نوع حذف «سیاق کلام و مفهوم کلی جمله و عبارت باعث می‌شود که واژه یا واژه‌هایی حذف گردد، نه آمدن لفظ در جمله و عبارت» (احمدی گیوی و انوری ۳۱۷).

در غزل مورد بررسی شاهد این موارد از حذف، به‌عنوان عنصر انسجام دستوری متن هستیم: در مصارع «در کمینگاه نظر با دل خویشم جنگ است»، «در غریبی و فراق و غم دل پیر شدم» و «دل از دست بشد دوش چو حافظ می‌گفت» حذف نهاد (من) به قرینه‌ی شناسه در اول شخص مفرد وجود دارد که واژه حذف شده در محور عمودی غزل و مشخصا در مصرع اول مطلع غزل به کار رفته است. خطاب «ای صبا» در مصرع دوم بیت اول، بیت دوم، سوم، چهارم و پنجم به قرینه‌ی لفظی در مصرع اول بیت اول حذف شده است.

### جانشینی

در جانشینی<sup>۲</sup> که گاهی با عنوان جایگزینی نیز به‌کار رفته است «یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر می‌نشیند. یعنی ممکن است یک واژه یا یک عبارت، جایگزین یک واژه، عبارت یا بند دیگر در یک متن شود» (زانوس و نبی‌پور ۸۸).

در محور عمودی غزل لغاتی به‌کار رفته است که جانشین واژه «فلانی» در مصرع نخست مطلع غزل شده‌اند و عبارتند از: واژه‌های «دوست»، «او» و «تازه جوان». همچنین در تمام غزل به ترکیباتی برمی‌خوریم که جانشین «نکته» شده‌اند و همگی بر دلالتگی شاعر برای یار و جستن نشانه‌ای از او برای آرام شدن دلش اشاره دارند و عبارتند از: «تاب و توان»، «ابرو و غمزه»، «ساغر می» و «خط امان».

### پ. عناصر انسجام پیوندی (معنایی و منطقی)

«منظور از انسجام پیوندی، وجود ارتباط معنایی و منطقی میان جملات یک متن است. انسجام پیوندی در نظریه‌ی هالیدی و حسن به چهار نوع ارتباط اضافی، سببی، تقابلی و زمانی تقسیم شده است» (ولینی و دیگران ۸۲). به عبارت دیگر، انسجام پیوندی در متن به مدد «حروف ربط» شکل

<sup>1</sup> Ellipsis

<sup>2</sup> Substitution

می‌گیرد. البته ممکن است انسجام پیوندی بدون کاربرد حروف ربط نیز حاصل شود. پرویز ناتل خانلری در این زمینه اینچنین می‌نویسد: «دو یا چند جمله مستقل که در پی یکدیگر قرار می‌گیرند و بی‌واسطه حرف یا کلامی به هم می‌پیوندند، پیوند معنوی با هم دارند. پیوند معنوی به دو درجه حاصل می‌شود: ۱. ترتیب منطقی (رابطه علت و معلول یا مقدمه و نتیجه). ۲. ترتیب زمانی» (۱۳۴).

#### ارتباط اضافی

در این نوع ارتباط به مدد تمثیل، توضیح و یا مقایسه مطلبی به جمله قبل اضافه می‌شود. ارتباط توضیحی، ارتباط تمثیلی، ارتباط تشبیهی و ارتباط مقایسه‌ای زیرمجموعه‌ی این نوع ارتباط هستند. در بیت دوم رابطه‌ی بین دو مصرع از نوع اضافی تشبیهی است. همچنین حرف ربط «یا» در بیت ششم باعث ایجاد رابطه اضافی مقایسه‌ای بین دو مصرع شده است. در ابیات یک، سه، چهار و هفت نیز ارتباط بین دو مصرع از نوع توضیحی و در نتیجه اضافی است.

#### ارتباط سببی

«در این نوع ارتباط معنایی، بین جملات متن، رابطه‌ی علی و معلولی، مقدمه و نتیجه و یا شرطی برقرار می‌شود. ارتباط سببی شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است» (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۲۴).

در بیت پنجم شاهد رابطه شرطی و سببی با حرف ربط «وگر» هستیم که دو مصرع را به یکدیگر مرتبط ساخته است. شایان ذکر است که در غزل مورد بررسی ارتباط تقابلی یا خلاف انتظار که با حروف ربط «ولی، اما، هرچند، اگرچه، ولیکن و با وجود اینکه» و ارتباط زمانی که با حروف ربط «تا، سپس، آنگاه، بعد (پس) از آن، قبل از آن و غیره» همراه هستند، دیده نمی‌شود.

#### ۲-۴. بررسی عناصر انسجام متن در ترجمه‌ی غزل حافظ

ابتدا ترجمه‌ی غزل مورد بررسی در زبان روسی از کنستانتین لیپسکروف را می‌آوریم:

Аромат ее крова, ветерок, принеси мне и покой, - я ведь болен, - хоть на срок принеси мне!

Для души изнуренной дай хоть малость бальзама, С доброй вестью о друге хоть пять строк принеси мне.

Взор и сердце в бореньи. С тетивы ее взгляда и от стрелки-ресницы хоть намек принеси мне.

На чужбине, в разлуке постарел я, - из чаши Сладкой юности, ветер, ты глоток принеси мне.

Дай ту чашу пригубить всем понурым, но если этот будет напиток им не впрок, - принеси мне.

Брось о завтрашнем, кравчий, размышлять, - иль охранный за печатями рока ты листок принеси мне.

В ночь над плачущим сердцем пел Хафиз неустанно: "Аромат ее крова, ветерок, принеси мне!"

مراحل الف و ب تحلیل در متن ترجمه:

1. Аромат ее крова – принеси мне – ветерок 2. Покой – срок – (ты) принеси мне 3. я – болен

4. Изнуренной души – (ты) дай – малость бальзама 5. доброй вестью о друге – пять строк – (ты) принеси мне

6. Взор – сердце – (есть) боренье 7. тетивы ее взгляда – стрелки ресницы – намек – (ты) принеси мне

8. Я – разлука – чужбина – постарел 9. чаша сладкой юности – ветер – ты – глоток – принеси мне.

10. (ты) Дай ту чашу – пригубить – всем понурым 12. если этот напиток – не будет – им – впрок 13. (ты) принеси мне – (ту чашу).

14. Кравчий – брось размышлять – завтрашнем 15. ты – охранный за печатями рока – листок – принеси мне.

16. Хафиз – ночь – плачущим сердцем – пел – неустанно 17. Аромат ее крова – принеси мне – ветерок

– عناصر انسجام واژگانی

تکرار در ساختار موسیقایی اشعار

الف) تکرار مصوت

نظر به اینکه «در زبان روسی مصوت «a» تنها در مواردی نزدیک به «آ»ی فارسی تلفظ می‌شود که ضربه یا تکیه بر روی آن باشد. در غیر این صورت به صداهایی غیر از «آ» تبدیل می‌شود» (بلوشاپکوا<sup>۱</sup> ۱۳۰-۱۲۲). تعداد مصوت‌هایی که نزدیک به «آ»ی فارسی تلفظ می‌شوند، ۲۰ عدد است.

<sup>1</sup> Vera Beloshapkova

مصوت بلند «и» با تلفظ فارسی «ای» (مانند کلمه پیر) در ترجمه‌ی غزل مورد بررسی با بسامد ۴۰، بیشترین تکرار را به خود اختصاص می‌دهد. این تکرار در انسجام آوایی ترجمه مورد نظر نقش مهمی دارد.

ب) تکرار صامت

حرف صامت «р» با تلفظ «ر» در ترجمه این غزل ۳۷ بار تکرار شده است.

ج) قافیه

کلمات قافیه در ترجمه این غزل عبارتند از:

«срок»، «строк»، «нарек», «глоток»، «впрок»، «листок»، «ветерок» که بر

اساس قوانین شعر روسی، قافیه مذکر<sup>۱</sup> می‌باشد.

د) ردیف

مترجم ردیف غزل مورد نظر را به روسی برگردانده و به عبارتی از آرایه «эпифора» (عبارتست

از تکرار حرف، واژه یا عبارت در انتهای چند بیت یا مصرع) در متن روسی استفاده کرده است.

**تکرار عین واژه**

تکرار واژگان در ترجمه این غزل عبارتند از:

واژه‌ی «хоть» (لااقل، فقط) در بیت‌های ۱، ۲ و ۳؛ واژه‌ی «ветерок» (باد به شکل تحبیبی)

در بیت ۱ و ۷ و «ветер» (باد) در بیت ۴؛ واژه‌ی «чаша» (جام، پیاله) در بیت ۴ و ۵؛ واژه‌ی

«сердце» (دل، قلب) در بیت ۳ و ۷؛ واژه‌ی «я» (من) در بیت ۱ و ۴؛ واژه‌ی «ты» (تو) در بیت ۴

و ۶.

**تکرار کامل در سطح جمله**

جمله «Аромат ее кровя, ветерок, принеси мне» در بیت اول و آخر ترجمه غزل مورد

نظر، همانند ردالمطلع در اصل شعر تکرار شده است.

**باهم‌آیی**

در ترجمه‌ی این غزل واژه‌های *весть* (خبر، پیام)، *строка* (خط)، *листок* (برگه، کاغذ) در

حوزه‌ی معنایی اطلاع‌رسانی و اخبار هستند؛ واژه‌های *чаша* (پیاله)، *напиток* (نوشیدنی)، *глоток*

(جرعه) در حوزه‌ی معنایی می‌گساری و واژه‌های *боренье* (جنگ، مبارزه)، *стрелка* (تیر)، *тетива*

(کمان) در حوزه معنایی جنگ و نبرد هستند

**هم‌معنایی**

<sup>۱</sup> Мужская рифма

واژگان «взор» با «взгляд» در بیت سوم پیوند هم‌معنایی دارند؛ هم‌معنایی واژه «душа» در بیت دوم و «сердце» در ابیات ۳ و ۷؛ واژه «изнуренный» در بیت دوم با کلمه «понурий» در بین پنجم دارای پیوند هم‌معنایی هستند.

#### شمول معنایی (رابطه‌ی جزء و کل)

لیسکروف در ترجمه‌ی این غزل تقریباً از همان کلماتی که حافظ در غزل خود به‌کار برده و هر کدام دلالت بر جزئی از وجود دارند بهره برده است که عبارتند از واژه‌های «душа» (روح)، «сердце» (قلب)، «взор» (نگاه)، «взгляд» (نظر)، «кровь» (خون) و «ресницы» (مژه).

#### تضاد معنایی

در ترجمه‌ی غزل مورد نظر بین واژه‌های покой (آرامش، صلح) و боренье (جنگ، مبارزه) و همچنین بین واژه‌های юность (جوانی) و постарел (پیر شدم) تضاد معنایی وجود دارد.

#### – عناصر انسجام دستوری

##### ارجاع درون‌متنی

ارجاع پیش‌رو: در بیت پنجم، ضمیر «ты (та)» (آن) قبل از واژه «чаша» (جام) قرار گرفته است که از نوع ارجاع پیش‌رو است. مرجع ضمیر «этот» (این) در همین بیت «напиток» (می، ساغر) می‌باشد و این ارجاع نیز در دسته ارجاع پیش‌رو جای می‌گیرد.

ارجاع پس‌رو: در ابیات دوم، سوم، پنجم و ششم شاهد ارجاع درون‌متنی پس‌رو هستیم و مرجع ضمیر در فعل امر «принеси мне» همان «ветерок» (باد) است که در بیت اول قرار گرفته است. مرجع ضمیر «им» در بیت پنجم «понурым» است که در قسمت ابتدایی این بیت به کار رفته است، پس این پیوند دستوری نیز از نوع پس‌رو می‌باشد.

##### ارجاع برون‌متنی

در ابیات ۱، ۳ و ۷ شاهد ارجاع برون‌متنی هستیم، چرا که مرجع ضمیر «её» در بیرون متن است و بر مخاطب پوشیده است که مرجع این ضمیر «یار»، «دوست» و یا فرد دیگری است.

##### حذف

کلمه «ветерок» (باد) در بخش پایانی بیت اول، بیت دوم، سوم، پنجم و ششم به قرینه لفظی حذف شده است، یعنی به دلیل استفاده از این واژه در ابیات اول و چهارم، مترجم نیازی به تکرار آن ندیده است.

##### جائشینی

این عنصر پیوند دستوری در ترجمه مورد بررسی به چشم نمی‌خورد.

## پ. عناصر انسجام پیوندی (معنایی و منطقی)

## ارتباط اضافی

در بیت ششم شاهد رابطه‌ی اضافی با حرف ربط «ИЛЬ» (یا) هستیم. در ابیات دوم، سوم، چهارم و هفتم نیز ارتباط اضافی توضیحی مشاهده می‌شود.

## ارتباط سببی

این پیوند در ترجمه‌ی غزل مورد بررسی در بیت اول با حرف ربط «ВЕДЬ» (چرا که)، که بیان کننده سبب و علت است، به چشم می‌خورد.

## ارتباط تقابلی یا خلاف انتظار

در بیت پنجم ترجمه‌ی مورد نظر ارتباط تقابلی با حرف ربط «НО ЕСЛИ» (اما اگر) به کاررفته است.

## ۲-۵. مقایسه‌ی میزان کاربست عناصر انسجامی در غزل حافظ و ترجمه‌ی آن

تا اینجا عوامل ایجاد انسجام در غزل حافظ و ترجمه‌ی آن مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش به محاسبه کمی کاربست این عوامل در غزل مورد بررسی و ترجمه آن می‌پردازیم. کمیت کاربست این عوامل با استفاده از روش آماری «توزیع فراوانی و درصد» محاسبه می‌شود و بدین ترتیب با مقایسه‌ی مقادیر به دست آمده می‌توان تفاوت میزان کاربرد عوامل انسجامی در هر دو متن مورد بررسی را دریافت. کمیت کاربست هر یک از عوامل انسجامی در دو متن مورد بررسی به شرح زیر است:

## الف. غزل حافظ:

عوامل انسجام واژگانی: تکرار مصوت بلند «آ» ۴۲ بار، تکرار صامت «ر» ۳۲ بار، تکرار عین واژه ۱۳ بار و تکرار عین جمله ۲ بار، تکرار در قالب قافیه (حرف روی و صامت پس از آن) ۷ بار، تکرار در قالب ردیف ۸ بار.

باهم‌آیی ۳ بار، هم‌معنایی ۴ بار، شمول معنایی ۱ بار، تضاد معنایی ۴ بار.

عوامل انسجام دستوری: ارجاع درون‌متنی و برون‌متنی ۱۴ بار، جانمایی ۷ بار و حذف ۸ بار. عوامل انسجام پیوندی: ارتباط اضافی ۶ بار، ارتباط سببی ۱ بار، ارتباط تقابلی ۰ و ارتباط زمانی ۰.

## ب. ترجمه‌ی غزل حافظ:

عوامل انسجام واژگانی: تکرار مصوت بلند «И» «ای» ۴۰ بار، تکرار صامت «ر» ۳۷ بار، تکرار عین واژه ۱۴ بار و تکرار جمله‌ی کامل ۲ بار. (از آنجا که تکرار مصوت بلند «a» «آ» در انسجام معنایی غزل مورد بررسی نقشی ایفا نکرده است، از محاسبه‌ی آن خودداری کردیم)، تکرار در قالب قافیه ۷ بار، تکرار در قالب ردیف ۸ بار.



باهم‌آیی: ۳ بار، هم‌معنایی: ۳ بار، شمول معنایی: ۱ بار، تضاد معنایی: ۲ بار.  
عوامل انسجام دستوری: ارجاع درون‌متنی و برون‌متنی ۱۰ بار، جانشینی ۰ و حذف ۵ بار.  
عوامل انسجام پیوندی: ارتباط اضافی ۵ بار، ارتباط سببی ۱ بار، ارتباط تقابلی ۱ بار و ارتباط زمانی

## . شکل ۱.

عوامل انسجام پیوندی				عوامل انسجام واژگانی				عوامل انسجام دستوری			فراوانی/در صد	نویسنده	
ارتب	ارتب	ارتب	ارتب	شمو	تضاد	هم‌معن	باهم‌آ	تکرار	حذف	جانشین	ارجاع		حافظ
اط	اط	اط	اط	ل	معن	ایی	یی		ف	ی			
زمانی	تقابل	سببی	اضاف	معن	ایی								
۰	۰	۱	۶	۳	۴	۶	۵	۱۲۶	۸	۸	۲۲	فراوانی در غزل «ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر»	
۰	۰	۰,۵۳	۳,۱۷	۱,۵۹	۲,۱۰	۳,۱۷	۲,۶۴	۶۶,۶۶	۴,۲	۴,۲۳	۱۱,۶	درصد	
					۱				۳		۴		
۰	۱	۱	۵	۱	۲	۳	۳	۱۰۸	۵	۰	۱۰	فراوانی در ترجمه غزل	لیپسکرو
۰	۰,۷۱	۰,۷۱	۳,۵۹	۰,۷۱	۱,۴۳	۲,۱۵	۲,۱۵	۷۷,۶۹	۳,۵	۰	۷,۱۹	درصد	
									۹				
۳,۷								۷۶,۱۹			۲۰,۱	درصد کلی	حافظ
۵,۰۱								۸۴,۱۳			۱۰,۷۸	درصد کلی	لیپسکرو

۳- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر میزان کاربست عناصر انسجامی نظریه‌هالییدی و حسن در غزل حافظ و ترجمه‌ی آن به شکل علمی و دقیق مورد بررسی قرار گرفت و این نتایج را در بر داشت:

فراوانی عناصر انسجام واژگانی، دستوری و پیوندی در غزل حافظ در مجموع ۱۸۹ و در ترجمه آن ۱۳۹ مورد است که این امر بیانگر اینست که غزل حافظ در مقایسه با ترجمه‌ی آن منسجم تر است. میزان کاربرد عناصر انسجام واژگانی در هر دو متن مورد بررسی، یعنی در غزل حافظ و ترجمه‌ی آن بسیار بیشتر از میزان کاربرد عناصر انسجام دستوری و پیوندی می‌باشد. تعداد موارد انسجام واژگانی در متن غزل حافظ در مجموع ۱۴۴ و در ترجمه‌ی غزل مورد نظر ۱۱۷ مورد است و پر واضح است که غزل حافظ از نظر واژگانی بسیار منسجم‌تر از ترجمه‌ی آن است.

کاربرد عناصر انسجامی دستوری در غزل حافظ بیشتر از کاربرد این عناصر در ترجمه‌ی این غزل است و به همین دلیل اصل غزل منسجم‌تر و پیوسته‌تر از ترجمه‌ی آن به نظر می‌رسد. میزان کاربرد عوامل انسجام پیوندی در غزل مورد بررسی و ترجمه‌ی آن برابر است. تعداد تکرار مصوت بلند «آ» در ترجمه مورد بررسی کمتر از نیمی از تعداد آن در غزل حافظ است، بنابراین می‌توان گفت اندوه شاعر که با تکرار مصوت بلند «آ» به تصویر کشده شده است در ترجمه به مخاطب منتقل نمی‌شود و به دلیل اینکه مترجم با استفاده از تکرار مصوت بلند «آ» نتوانسته است وحدت و انسجام موضوع در کل غزل حافظ، که همانا اندوه و زاری از فراق معشوق یا دوست است را به مخاطب روس منتقل کند، به همین دلیل از محاسبه تعداد تکرار مصوت بلند «a» برای درصدگیری نهایی خودداری کردیم.

در نهایت می‌توان گفت گر چه فراوانی عناصر انسجامی در ترجمه‌ی غزل حافظ کمتر از فراوانی آنها در غزل مورد بررسی است ولیکن از مقایسه میزان کاربست عناصر انسجامی در غزل مورد بررسی و ترجمه‌ی آن می‌توان نتیجه گرفت که مترجم – لیبسکروف – از عهده‌ی ترجمه این غزل حافظ به زبان روسی برآمده است.

## References

- Abbasi, Mahmoud, et al. "Ensejam e Vajegani Dar Matn e Surrealistiye Buf e Kur Bar Payeye Nazariyeye Halliday va Hasan" ["Lexical cohesion in the surrealist text of Bufe-Kur based on Halliday and Hassan's theory"]. *Bi-monthly Journal of Linguistic Essays*, Vol. 6 (2015): 283-305.

- Ahmadi Givi, Hasan and Hassan Anvari. *Dastur e Zaban e Farsi 1 [Persian grammar 1]*. Tehran: Fatemi Publications, 1375.
- Beloshapkova, V.A. *Sovremennyj Russkij Jazyk [Modern Russian language: Handbook for philology. specialist. Univ.]* Moscow: Graduate School, 1989.
- Amiri Khorasani, Ahmed and Halima Alinejad. "Barrasiye Anaser e Ensejam e Matn Dar Nafsath al Masdur Bar Asas e Nazariyeye Halliday va Hasan" ["Investigation of elements of text coherence in Naftha al-Masdur based on the theory of Halliday and Hasan"]. *Literary Text Research*, Vol. 63 (2014): 7-32.
- Fani Eski, Razieh and Ali Safai. "Barrasiye Peykarbandi Dar Ghazalhaye Saadi ba Tekye Bar Nazariyeye Halliday va Hasan" ["Examining embodiment in Saadi's sonnets based on the theory of Halliday and Hassan"]. *Poetry Research Magazine (Bostan Adeb)* Shiraz, Year 12, Vol. 2 (2019): 171-187.
- Homai, Jalaluddin. *Fonun e Balaghat va Senaat e Adabi [Rhetoric techniques and literary industries]*. Tehran: Homa, 1996.
- Horri, Abolfazl. "Karkard e Tasrif Dar do Sureye Qoraniye Nazer be Dastan e Afarinesh Dar Partove Farakarkard e Matniye Halliday" [Tasrif in the Quranic Story of Creation in the Light of Halliday's Textual Meta-function]. *Research in Contemporary World Literature (Research in Foreign Languages)*, Vol. 55, (Winter 2008): 101-116.
- Ishani, Tahereh. "Tahlil e Moghayeseiye Avamel e Ensejam Dar Do Ghazal e Hafez va Saadi" ["Comparative analysis of cohesion factors in two sonnets of Hafiz and Saadi and its effect on the cohesion of the text"]. *Scientific-Research Quarterly of Al-Zahra University Linguistics*, Vol. 10 (2013): 9-35.

- Khamegar, Mohammad. "Karayiye Nazariyeye Halliday Dar Tarsim e Ensejam e Matniye Surehaye Qoran" ["Efficiency of Halliday's Theory in Delineating the Textual Coherence of the Surahs of the Qur'an"]. *Qur'anic Researches*, Year 23, Vol. 1 (2017): 4-29.
- Lotfipour Saedi, Kazem. *Daramadi be Osul va Ravesh e Tarjome [An introduction to the principles and methods of translation]*. Tehran: University Press, 2006.
- Masbouq, Mehdi and Shahram Delshad. "Barrasiye Anaser e Ensejam e Matn Dar Dastan e Hazrat e Musa (Alayhi Ssalam) ba Ruykard e Zabanshenasiye Naghshgara" ["Investigation of elements of text coherence in the story of Prophet Moses (peace be upon him) with the approach of role-oriented linguistics"]. *Qur'anic Literary Research Quarterly*, Vol. 1 (2015): 114-129.
- Mohajer, Mehran and Mohammad Nabavi. *Be Suy e Zabanshenasiye Sher, Rahyafte Naghshgara [Towards the linguistics of poetry, a role-oriented approach]*. Tehran: Markaz, 1997.
- Mohammadi Badr, Narges. "Naqsh e Tarjome Dar Taamolot e Farhangie Iran va Rusie" ["The Role of Translation in Cultural Interaction between Iran & Russia"]. *Research in Contemporary World Literature (Research in Foreign Languages)*, Vol. 43, (Spring 2007): 121-139.
- Mokhtari Ardakani, Mohammad Ali. *Hefdah Goftar Dar Osul, Ravesh va Nghd e Tarjome [Seventeen discourses on the principles, method and criticism of translation]*. Tehran: Rahnama, 1996.
- Molla Ebrahimi, Ezzat, and Fatemeh Garhami. Ertebat e Tanasob va Ensejam e Sefat e Payani ba Mohtavaye Ayat Dar Sureye Shoara" ["The relationship between the appropriateness and coherence of the final attributes with the content of the verses in Surah al-Shaara"]. *Quarterly Journal of Literary Studies of Islamic Texts*, Year 2, Vol. 2 (2016): 31-62.

- Molla Ebrahimi, Ezzat and Zahra Rezaei. "Karayiye Nazariyeye Halliday va Hasan Dar Tarsim e Ensejam e Matniye Sureye Mozazammel" ["Efficiency of Halliday's and Hassan's theory in drawing the textual coherence of Surah Muzamal"]. *Quarterly Journal of Literary Studies of Islamic Texts*, 5th year, Vol. 17 (2019): 9-31.
- Natel Khanleri, Parvez. *Dastur e Zaban e Farsi [Persian grammar]*. Tehran: Iran Culture Foundation, 1351.
- Qazvini, Mohammad and Qasim Ghani. *Divan-e-Hafez [Divan of Hafez]*. Tehran: Sina, 2013.
- Shafii Kodkani, Mohammad Reza. *Musighiye Sher [Poetry music]*. Tehran: Agah, 2004.
- Valini, Yunus et al. "Avamel e Ensejam e Matni Dar Sureye Nuh" ["Factors of textual cohesion in Surah Nuh"]. *Bi-Quarterly Journal of Qur'an Linguistic Research*, Vol. 1 (2015): 69-82.
- Zanus, Ahad Pasha and Maryam Nabipour. "Avamel e Ensejam Dar Sureye Zelzal (Bar Asas e Nazariyeye Halliday va Hasan" ["Factors of cohesion in Surah Zelzal (based on Halliday and Hassan's theory)"]. *Research Journal of Quran Studies*, Year 8, Vol. 30 (2016): 81-101.